

خبرها

آلبوم جدید شهرام ناظری منتشر شد

بخش فرهنگی– آلبوم موسیقی «آرش کمانگیر» بر اساس منظومه‌ی آرش کمانگیر زنده‌یاد سیاوش کسرایی با صدای شهرام ناظری و با آهنگسازی پژمان طاهری منتشر شد. به گزارش ایسنا، قطب‌الدین صادقی، نویسنده و کارگردان تئاتر نیز به عنوان رآوی داستان، شهرام ناظری و پژمان طاهری را همراهی کرده است.

پژمان طاهری، طاه‌ا عابدیان، فرهاد صفری و بابک غسالی تکنوازان آلبوم «آرش کمانگیر» هستند و غیر از تکنوازی ویولای طاه‌ا عابدیان که در وین ضبط شده است، دیگر کنکوازی‌ها و دکلمه در تهران صدابرداری شده است.

«ارش کمانگیر» هفت قطعه به نام‌های «شب»، «قصه»، «امید»، «آهنگ دگر»، «بدرود»، «آرش» و «سوگ» را شامل می‌شود و این اثر به زودی طی مراسمی رومبای خواهد شد. محمد حسین توتوتوپیان، مدیرعامل شرکت فرهنگی هنری ققنوس و تهیه‌کننده این اثر درباره جزئیات آلبوم «آرش کمانگیر» توضیح داده است: «آرش کمانگیر» یک اثر ارکسترال محسوب می‌شود که با صدای استاد شهرام ناظری و بر اساس شعری از سیاوش کسرایی توسط پژمان طاهری آهنگسازی شده است. بخش ارکسترال این اثر در «کنسرت هاوس» شهر وین توسط ارکستر مجلسی اتریش و به رهبری طاه‌ا عابدیان ضبط شده است و باید اذعان داشت که با توجه به خاستگاه ارکستر، نوعی از موسیقی ارکسترال را در یک اثر ایرانی با زبان پارسی تجربه خواهید کرد که کاملاً منحصر به فرد و شنیدنی است.

.....

معرفی نامزدهای نهایی جایزه «هفت اقلیم»

بخش فرهنگی– نامزدهای نهایی هشتمین دورهٔ جایزهٔ ادبی «هفت اقلیم» معرفی شدند.

به گزارش ایسنا به نقل از دبیرخانهٔ هشتمین دورهٔ جایزه ادبی هفت اقلیم، نامزدهای هشتمین دورهٔ این جایزه در دو بخش مجموعه داستان و رمان، از بین ۱۷۵ رمان و ۹۵ مجموعه داستان رسیده به دبیرخانه این جایزه ادبی انتخاب شدند. داوری بخش مجموعه داستان این دوره از جایزه هفت اقلیم برعهدهٔ ناهید طباطبایی، علی خدایی و غزل مصدق بود و داوری بخش رمان را رضا جولایی، احمد آرام و رضا زنگی‌آبادی عهده‌دار بودند.

نامزدهای نهایی بخش مجموعه داستان(به ترتیب الفبا):

زخم شیر/ صمد طاهری/ نیم‌آز

خاطرات یک دروغگو/ نسیم وهابی/ نشر مرکز

روی خط چشم/ پیمان هوشمندزاده/ نشر چشمه

زن غمگین / محسن عباسی/ نشر نی

شکارچیان در برف/ نسیمه فضل‌الهی/ نشر ثالث

نامزدهای نهایی بخش رمان(به ترتیب الفبا):

بند محکومین/ کیهان خانجانی/ نشر چشمه

تهرانی‌ها / امیرحسین خورشیدفر/ نشر مرکز

راهنمای مردن با گیاهان دارویی/ عطیبه عطارزاده / نشر چشمه
رزمین عیایب/ جعفر مدرس صادقی/ مرکز فروردین/ اسمعیل/ نشر چشمه

به گفتهٔ دبیر جایزه، آیت دولتشاه، برگزیدگان نهایی این دوره از جایزهٔ هفت اقلیم طی مراسمی در روزهای پایانی اسفندماه سال ۱۳۹۷ معرفی خواهند شد. زمان و مکان برگزاری اختتامیه نیز به زودی اعلام می‌شود.

.....

درخشش «کتاب سبز» در گیشه پس از اسکار

بخش فرهنگی– فیلم «کتاب سبز» به بالاترین فروش فیلم‌های برنده اسکار بهترین فیلم در گیشه سینماهای آمریکا در ۸ سال اخیر دست یافت.

به گزارش ایسنا به نقل از هالیوود ریپورتر، «کتاب سبز» ساخته «پیتر فارلی» پس از کسب سه جایزه بهترین فیلم، بازیگر نقش اصلی مرد و بهترین فیلمنامه اصلی از نود و یکمین دوره جوایز سینمایی اسکار، در گیشه سینماهای آمریکا نیز عملکرد موفقی داشت و از تاریخ اول تا سوم مارس ۴٫۷ میلیون دلار از محل ۲۶۴۱ سالن سینما فروخت.

این بالاترین فروشی است که در ۸ سال اخیر یک فیلم پس از کسب اسکار در گیشه سینماهای آمریکا به دست می‌آورد. پیش از این و در سال ۲۰۱۱ فیلم «سخت‌رانی پادشاه» پس از کسب اسکار بهترین فیلم توانسته بود ۶٫۲ میلیون دلار از ۲۳۸۶ سالن سینما به دست آورد، این در حالی است که سال گذشته فیلم «شکل آب» در اولین آخر هفته پس از دریافت اسکار بهترین فیلم، تنها ۲٫۳ میلیون دلار فروخت. فیلم «هفتاب» برنده دو سال پیش نیز فروشی در همین حد ثبت کرده بود.

پیش‌تر نیز فیلم‌های «سپاتایت»، «بردمن»، «دوازده سال بدگی» و «آرگو» نیز حدوداً ۷۱٫۱ میلیون دلار در چین رقم زده و تا به امروز جمع فروش خارجی خود را به ۱۱۲ میلیون دلار رسانده است. فروش جهانی (فروش آمریکا + فروش بین‌المللی) فیلم «کتاب سبز» اکنون ۱۸۸ میلیون دلار است. داستان «کتاب سبز» درباره «دان شیرلی» موسیقیدان کلاسیک با بازی «ماهرشالا علی» است که همراه با راننده ایتالیایی–آمریکایی (با نقش‌آفرینی ویگو مورتسنن) سفری جاده‌ای را در دهه ۱۹۶۰ میلادی آغاز می‌کنند.

{ فرهنگ و هنر }

گفت و گو با سعید رضوانی، مسئول پروژه تصحیح دست‌نوشته‌های نیما در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نوای کاروان در راه است

سعید رضوانی، مسئول پروژه تصحیح دست‌نوشته‌های نیما در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چون دو مصحِّح بودیم که هر کدام جداگانه کار کردیم، بعد کارمان را با هم چندین بار مقابله کردیم. از هر کسی که به نظرمان می‌رسید که می‌توانست در خواش کمک دهد، کمک گرفتیم. در مورد کیفیت کار من نباید قضاوت کنیم ولی کیفیت مطلوبی دارد.

♦ **خانواده نیما این کتابی را دیدند در مورد آن صحبت کردند؟**

اطلاع ندارم.

♦ **در حال حاضر وضعیت ادامه پروژه به چه صورت است؟**

الآن کماکان داریم روی این اسناد کار می‌کنیم. الآن که با هم صحبت می‌کنیم کتاب دوم، یعنی دومین کتاب از اشعار منتشر نشده نیما یوشیج مستخرج از همین دست‌نوشته‌ها، آماده چاپ است و مراحل چاپ را می‌گذرانند. کار استنساخ به پایان رسیده و کار تصحیح و نمونه‌خوانی هم به پایان رسیده و دارد صفحه‌آرایی می‌شود. این به این معنی است که دارد مراحل مختلف انتشار را می‌گذراند و باید منتظر باشیم.

♦ **برنامه شما این است از این اسناد در قالب چند کتاب منتشر شود؟**

این فقط به برنامه ما بستگی ندارد. بستگی به این هم دارد که بتوانیم روی این



اسناد کاری انجام دهیم. مثلاً در آن مرحله‌ای که کتاب اول را منتشر کردیم، اگر از من می‌پرسیدید کتاب دوم کی منتشر می‌شود، من نمی‌توانستم جواب بدهم، چون دشواری‌های کار تصحیح در کار خودش را نشان می‌دهد. از قبل نمی‌دانم برای این شعر چند روز نیاز دارم که بخوانم و پیاده کنم. جزء سیاست‌گذاران فرهنگستان نیستیم، طبعاً برنامه فرهنگستان این است که باقی آثار را منتشر کند ولی من نمی‌توانم اطلاعات دقیقی به شما بدهم.

♦ **آثاری که نیمه‌تمام مانده هم در قالب کار شما منتشر می‌شود؟**

من در این مرحله تا حالا که داریم با هم صحبت می‌کنیم فقط روی شعرها کار کرده‌ام. در شعرها هم یکی از معیارهای گزینش این بوده که کامل باشند. برای کامل بودن شعرها دو معیار عینی تعریف کردیم؛ کامل یعنی آن چیزی که نیما امضاء کرده و زیر آن تاریخ گذاشته است. ما امضاء و تاریخ را ملاک گرفتیم که این شعر از دید نیما دستکم به حیث تحریر اولیه تمام شده بوده؛ یعنی اختیاری و دل بخواهی تعریف نکردیم که مثلاً من شعری را بخوانم و بگویم تا اینجا خوب است، پس این شعر کامل است. شعر، معیارهای عینی دارد.

♦ **خیلی از منتقدان حوزه شعر، به ویژه شعر نو، در ساحت کاری نیما یوشیج چند دوره را تعریف می‌کنند که موجب سرودن این شعرها شده است و حتی معتقدند نیما در این سبک جدید شعر نیمایی که خلق کرد هر چه بیشتر رفته به‌اصطلاح کارش بخته‌تر شده و به آن چیزی که مدنظرش بوده نزدیک‌تر شده است. الآن کاری که اینجا منتشر شده چه کتاب اول و چه کتاب دوم که در دست چاپ است، کدام‌یک از این دوره‌های شعری نیما را در برمی‌گیرد؟ می‌توانید در این مورد صحبت کنید؟**
ما این مساله را که ذکر می‌کنید معیار انتشار اشعار قرار ندادیم، که مثلاً فرض بفرمایید بگردیم و آثار دوره اول شاعری نیما یا آثار ققنوس به بعد، آن موقع که نیما دیگر نیما شده بود، را پیدا کنیم، خیر. ما بر اساس معیارهای خود تصحیح کردیم. در هر دو مجموعه اشعار بر اساس تاریخ مرتب شده‌اند. دفتر اول، «صد سال دگر»، در واقع می‌شود گفت تمام دوران نوسرایی نیما را پوشش داده و از ۱۳۰۱ تا ۱۳۳۴ شعر در آن هست؛ به این ترتیب از بسیاری آزمایش‌های نیما نمونه‌هایی در آن می‌توان دید. اینجا هم همین‌طور است؛ یعنی نیامده‌ام بر اساس زمان تصحیح کنم. من بر اساس ملاحظات دیگری تصحیح کرده‌ام.

♦ **بازه زمانی دفتر دوم چه سال‌هایی را شامل می‌شود؟**

اولین شعر این مجموعه جدید متعلق است به سال ۱۲۹۹. برخی شعرها تاریخ ندارد. آخرین شعر تاریخ‌دار در این دفتر متعلق به ۱۳۲۶ است؛ یعنی می‌شود گفت دفتر اول یک مقدار گسترده‌گی تاریخی‌اش بیشتر بود.

♦ **مجموعه دوم شامل چند قطعه شعر می‌شود؟**

۸۲ قطعه که البته چند منظومهٔ بلند را هم شامل می‌شود.

♦ **فقط شامل شعر نیمایی می‌شود؟**

خیر، از قالب‌های دیگر هم در آن فراوان است. نیما تا آخر عمرش قالب‌های کلاسیک را کنار نگذاشت. فی‌المثل عاشق رباعی بود. این کتاب دوم در حوزه اشعار کلاسیک همه جور شعری دارد. هم مثنوی هم رباعی و هم غزل، قطعه و تمام قالب‌های معروف و رسوم هست.

♦ **از حیث مضمونی چطور، این اشعار در مقایسه با آنچه تا‌به‌حال از نیما خوانده‌ایم مضامین تازه‌ای را به مخاطب ارائه می‌دهد؟**

خیر، مضامین نیما را همه می‌شناسیم. به لحاظ مضمون چیز جدیدی نیست. نیما تا حدی انقلابی و رمانتیک است تا حد بسیار زیادی طبیعت‌دوست است، طبیعت سراپی دارد. خیلی خیلی شاعر طنز و طنزپرداز است و نگاه او متوجه و معطوف به ظرایف و لطایف زندگی انسانی است. مسئلهٔ دیگری که فکر می‌کنم در تمام دوران زندگی خیلی ذهن نیما را مشغول کرده جنگ است. خیلی از فجایع جنگ در رنج بوده و خیلی در این باره سروده است.

♦ **در مورد عناوین کتاب هم دوست دارم سوال کنم که چطور عنوان کتاب اول و دوم انتخاب شد؟**

عنوان کتاب دوم «نوای کاروان» است و عنوان نخست را هم که می‌دانید. هر دوی این عناوین، عناوین شعرهای خود نیما هستند، یعنی «صد سال دگر» را از عنوان یکی از شعرهای آن کتاب گرفتیم. «نوای کاروان» هم همین‌طور است. «نوای کاروان» به لحاظ فرم شعری بسیار درخور توجه و غافل‌گیر کننده است. اجازه بدهید در این رابطه توضیح بدهم. دوستان‌ران نیما صبر کنند این کتاب درآید، سربازهای خیلی خوبی است. به این خاطر اسم این شعر را برای کتاب گذاشتم. اجازه بدهید اینجا دوباره نکته‌ای را مژدک کنم. ممکن است برای برخی دوستان‌ران نیما این احساس به وجود آید و آمده باشد که چرا حاصل کار طول می‌کشد تا منتشر شود، ولی می‌توانم اطمینان بدهم که در رابطه با کیفیت ما نهایت دقت را به خرج می‌دهیم؛ یعنی فکر می‌کنم حاصل کار ارزش این صبر را دارد. برای ما خیلی مهم است که آثار نیما با هر کیفیتی چاپ نشود. ما «در طرح بررسی و بازخوانی دست‌نوشته‌های نیما یوشیج» ترجیح می‌دهیم امکانات معینی را که داریم صرف کار مطلوب و باکیفیت کنیم. مینتوانیم با همین امکانات طی شش ماه پنج مجموعه منتشر کنیم، اما درست‌تر میدانیم که دقت بیشتری صرف کنیم و هر یکی دو سال یک مجموعه بیرون بدهیم، اما با کیفیتی که قابل دفاع باشد. پس

سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۷

آگاهانه از سرعت چشم پوشیده و کیفیت را انتخاب کرده‌ایم. ♦ نوای کاروان که گفتید من را برد به آن قطعه موسیقی معروفی که استاد ابوالحسن صبا ساخته بود و گفته می‌شود ایشان هم در سفرهایی که در گیلان داشتند از ملودی‌های بومی استان گیلان این قطعه را انتخاب کردند. فکر نمی‌کنم ارتباطی به آن داشته باشد. این عبارت نوای کاروان در خود شعر آمده است. ولی این شعر به لحاظ فرم چیزی است که هیچ‌کس از نیما ندیده است. سربویراز کار من است مطمئناً شما هم دلتان می‌خواهد قضیه یک مقدار جذاب بماند. پس اجازه بدهید فعلاً بیشتر از این درباره‌اش بگویم.

♦ **شما به‌عنوان مصحح با توجه به اینکه تحصیلاتان در حوزه ایران‌شناسی است بفرما بید چه شد به شعر فارسی علاقه‌مند شدید و حتی رساله دکتری خود را در مورد شعر نوشتید؟**

من که همیشه علاقه‌مند به شعر فارسی بودم. مانند خیلی از ایرانی‌ها از کودکی علاقه‌مند به شعر فارسی بودم و مثل شعر خبلی از آن‌ها نمی‌توانم بگویم از چه زمان علاقه‌مند به شعر فارسی شدم. من با راهنمایی آقای پروفسور کرینبروک پایان‌نامه دکتری خود را نوشتم. ایشان از استادان شهیر ایران‌شناسی و اهل هلند است.

موضوع پایان‌نامه من معرفی تحلیلی شعر مدرن فارسی به خواننده اروپایی است. در دوران تحصیل نگاه کردم

دیده معرفت‌هایی که در اروپا از شعر فارسی شده از حد منتخب آثار و ترجمه‌های گاه خوب و گاه بد چندان فراتر نمی‌رفت؛ یعنی تحلیل نشده بود، به لحاظ فنون ادبی، زبان، شرایط تاریخی پیدایش آثار و غیره. من شعر مدرن فارسی تحلیلی به خواننده اروپایی معرفی کردم، با بررسی کار تمام کسانی که در شعر مدرن

فارسی جریان‌ساز بودند، نه تمام کسانی که شاعر خوبی بودند و مهم بودند. معیار من جریانسازی بود و طبعاً نیما یوشیج شخصیت اصلی و کانونی پژوهش من بود.

♦ **عطف به همین پایان‌نامه شما چه وجه تمایزی میان نیما و کسانی که در مقوله کارهای ادبی مدرن وارد شدند می‌بینید؟**
کسانی که در کار پژوهشی خود مورد توجه قرار دادم همه شاگردان نیما هستند؛ یعنی در آن مرتبه و مرحله قرار نمی‌گیرند که با نیما مقایسه شوند ولی هر کدام جریان‌ساز هستند. مثل احمد شاملو که سرسلسله جریان شعر غیرموزون فارسی است، هرچند پیش از او هم یکیدو تن شعر بی‌وزن سروده– اند. نگاه من نگاه جریانی بوده و به شخص نگاه نکرده– ام. یادم هست استادم معتقد بود باید سهراب سپهری را در چارچوب این رساله بررسی کرد، ولی من معتقد بودم این کار لزومی ندارد، چون ما نظر به جریان‌ها داشتیم و سهراب سپهری، برخلاف مثلاً احمد شاملو،

جریان به راه نینداخت. سؤال شما را این‌طور جواب می‌دهم: وجه تمایزی هست میان نیما و تمام کسانی که در تاریخ ادبیات ما قدم در راه مدرنیسم گذاشتند و آن اینکه هیچ‌کدام درک عمیق نیما از مدرنیسم را نداشتند. اعجاب‌انگیز است که نیما از تمام مؤلفه‌های مدرنیسم، همیشه با دست‌کم در اغلب موارد انگشت گذاشته بر آنچه اصل است، انگشت گذاشته بر مغز و جوهر مدرنیسم، نه بر پوسته و پیرایه. مثلاً با اینکه خودش سطرهای شعر را کوتاه و بلند کرده است، هیچ کجا از نیما نمی‌بینید که بگوید باید سطرها را کوتاه و بلند کرد تا شعر مدرن شود. اصلاً نگاه نیما این‌طور نیست. ولی نیما می‌گوید شاعر باید عینت خودش را به چشم داشته باشد، جهان را از دریچه چشم خود ببیند. یعنی نیما از فردیت سخن می‌گوید، همان اصلی که در جهانی که خاستگاه مدرنیسم بود، از مؤلفه‌های اصلی مدرنیسم به شمار می‌آید. مدرنیسم بدون فردگرایی محال است و نیما این را شرط مدرنیسم می‌داند. در چشم خیلی از مدرنیست‌های ما، مدرنیسم با یکسری از مؤلفه‌های فرمال هنری تعریف می‌شد. مثلاً هر کسی که یکی از صنایع بدیعی قدما را در شعرش به کار می‌برد حذف می‌شد؛ ببینید چه کسانی در طول تاریخ شعر مدرن فارسی این‌گونه در مورد شعر اخوان ثالث قضاوت کردند. اخوان را از دایره شعر مدرن ما می‌خواستند خارج کنند، چون در شعرش کشف می‌کردند که مثلاً اینجا مراعات نظیر به کار برده است، از قافیه بهره می‌برد، وزن را هم که کنار نمیگذارد، پس خیلی برایشان سخت بود که اخوان را در زمرهٔ شعرای مدرن بگذارند. دیگر نگاه نمی‌کردند اخوان چه پیوندی با زمان خودش دارد، چه گرهی با زمان خودش خورده است. ولی نیما متوجه بود. از زمان همین پیوند نزدیک با زمان شرط مدرنیسم است. نیما این را میدانست و سفارش میکرد. اگر دنبال وجه تمایز می‌گردید، وجه تمایز همان ژرفای درک نیما از مدرنیسم است که در دیگران یافت نمیشد.

♦ **آن چیزی که از سرگذشت‌نامه زندگی نیما در دست ماست و خواننده‌ایم از او چهره منحصر به فردی می‌سازد. چهره‌ای که اهل تفکر و اندیشیدن به پیرامون خودش است. شما چه تصویری از نیما از خلال کاری که روی اشعارش انجام دادید در ذهن دارید؟**

نیما غریزه‌ای قوی داشت؛ غریزهٔ شاعری داشت. در رابطه با مدرنیسم هم در زمان خودش غریزه‌اش به او می‌فهماند که الآن وقتش است. در مورد این سؤال شما ارجاع می‌دهم به مقالهٔ «عطا و لقای مدرنیسم نیما» که در «ایران‌شهر امروز»، شمارهٔ ۷، منتشر کردم. اخوان کتابی دارد به نام «عطا و لقای نیما یوشیج» که این اسم برگرفته از آن است. این مقاله را با همین سؤال آغاز کردم که اصولاً این درک عمیق از مدرنیسم در ذهن نیما از کجا ناشی می‌شود. نیما نه تحصیلات عالی داشت نه پایش را از مرزهای ایران بیرون گذاشت، نه چندان که می‌گویند با فرانسه و ادبیات غرب آشنا بود. آنچه را که زنده‌یاد طاهباز در مورد احاطهٔ کامل نیما بر زبان فرانسه و ادبیات غرب می‌گوید مطلقاً نمی‌شود تأیید کرد. در «عطا و لقای مدرنیسم نیما» گفتم‌ها در این چندهزار سندی که من از دست‌نوشته‌های نیما دیدهام انگشت‌شمار اشاراتی به منابع فرانسوی یافت میشود. اما تا دلتان بخواهد ماخذ و مراجع فارسی و عربی هست. فارسی قدیم و جدید و عربی، ولی منابع فرانسه و اروپایی انگشت‌شمار است. یعنی حیرت می‌کنید اگر این اسناد ببینید و بدانید نیما در آن سال‌هایی که جریان شعر مدرن فارسی را رهبری می‌کرد چه می‌خواند. تقریباً هر چه می‌خواند فارسی و عربی بوده است.

♦ **و از دل اینها چنین متفکری خلق می‌شود؛ یعنی باید بپذیرم از دل این مطالعه به‌اصطلاح خیلی ناسیونالیستی داخلی و با ذوق و فریجه‌ای که نیما داشته، چنین متفکر جهانی منتشر می‌شود.**

البته نیما مطلقاً گرایش ناسیونالیستی نداشت. از نگاه من یکی از امتیازهای مهم نیما بر اغلب روشنفکران معاصرش و قبل و بعد از خودش، و حتی بسیاری از امروزه‌ها، همین بود که مطلقاً میان‌های با ناسیونالیسم نداشت. نیما بیش از همهٔ اقرانش اومانیست بود، انسان‌گرا و انسان‌دوست بود، نه ناسیونالیست.

♦ **در اشعاری که از نیما خواندید و تصحیح کردید، در مورد واکنش نسبت به اتفاقات اجتماعی و سیاسی پرآشوش چیزی دیدید؟**

در همان دفتر اول دو نمونه‌هایی هست. در واقع شعرهایی بود که چندان دشوار نبود که ببینید در مورد حکام زمان است و می‌شد راحت نشانه‌هایی را کشف کرد. حتی دربارهٔ وقایع جهان آن روز، وقایعی که خارج از مرزهای ایران اتفاق افتادند، جنگ اوکراین مثلاً با اتفاقاتی که در قلمرو همسایهٔ سوسیالیستی آن موقع ما رخ داد بود، سروده است.

♦ **پس می‌شود تصور کرد که از پس این اسناد نیمایی دیگر به عنوان یک روشنفکر آگاه متولد شده است؟**

به نظرم نباید مبالغه کنیم. حتماً نیما شاعری بود که متوجه جهان پیرامونش بود، به اهمیتش واقف بود، قدرت تحلیل داشت، ولی در حدی که می‌شود از یک روشنفکر پنجاهشصت سال پیش، آن‌هم در مملکتی مثل مملکت ما، انتظار داشت. اینکه فکر کلیت نبض زمان را در دست داشت و نسبت به جهان آن دوران آگاهی کامل داشت مبالغه‌آمیز است. تأکید میکنم که نیما روشنفکر بود و متوجه پیرامونش بود، ولی اینکه احاطهٔ کامل داشته باشد به اتفاقاتی که در بطن زمانه رخ میدهد، خیر، چنین نبوده است.